فمن عرف فاطمه حق معرفتها فقد ادرک لیله القدر

هر کس به شناخت حقیقی فاطمه (س) دست یابد، بی‌گمان شب قدر را درک کرده است.

یادداشت

جای خالی رمانی خواندنی بر اساس زندگی ریحانه‌النبی علیهاالسلام

خدیجه زمانیان| ادبیات داستانی دینی باید همگام با دغدغه‌های روز جامعه و به منظور جذب مخاطب امروز که بسیار متفاوت با دوره‌های گذشته است دچار تحول شود و سبک‌های نوین داستان‌نویسی را تا حدی که به ساحت مقدس بزرگان دین آسیبی وارد نشود تجربه کند، اما نویسندگان ما هنوز نتوانسته‌اند قاطعانه در این حوزه دست به قلم شوند چون نوشتن داستان‌های زندگی‌نامه‌ای مصائب خاص خودش را دارد و مهم‌ترین آن بسته بودن دست نویسنده در خیال‌پردازی درباره شخصیت معصوم(ع) است. از این رو نویسنده در این گونه آثار باید داستانی طراحی کند که معصوم(ع) در آن حضور محوری داشته باشد اما قهرمان و شخصیت اصلی داستان نباشد برای همین عموم داستان‌هایی که درباره شخصیت‌های معصوم خلق شده بیشتر یاران و اصحاب ایشان در داستان نقش پررنگ داشته‌اند تا خود معصوم. اما حساسیت‌های نوشتن رمان زندگی‌نامه‌ای درباره معصومین(ع) وقتی به حضرت زهرا(س) می‌رسد، دوچندان می‌شود و با آنکه سراسر زندگی ایشان پر است از لحظات دراماتیک که می‌تواند برای نویسندگان سوژه نوشتن باشد اما تا به حال اثری خلاقانه که در قالب یک داستان شیرین و جذاب به روایت زندگی این بانوی بزرگوار بپردازد، نوشته نشده است. این حساسیت هم به دلیل تعلق خاطر شیعیان به ایشان، نقش و تأثیرگذاری آن حضرت در حوادث پس از ارتحال پیامبر(ص) و جایگاه ایشان نزد پیامبر خاتم و صحابه رسول‌الله(ص) است و هم به دلیل روایت‌های متفاوتی است که مورخان شیعه و سنی درباره زندگی و شخصیت آن حضرت نقل کرده‌اند. از این رو نویسنده‌ای که بخواهد درباره حضرت زهرا(س) وارد حوزه داستان شود باید با مسائل زیادی دست و پنجه نرم کند و خودش را آماده رویارویی با چالش‌های زیادی کند این چالش‌ها هم مواجهه با واکنش‌های بعضاً احساسی نهادها، مسئولان و مخاطبان است و هم مطالعه کتاب‌های معتبر و استفاده از قلم و بیانی در شأن و شخصیت بانوی بزرگوار اسلام. ناگفته نماند دست آثار ادبی- تاریخی در خصوص زندگی فاطمه زهرا(س) خالی نیست؛ کتاب‌هایی مثل «فاطمه، فاطمه است» اثر دکتر شریعتی، «کشتی پهلو گرفته» نوشته سیدمهدی شجاعی، «دختر پیامبر» نوشته آیت‌الله جاودان، «رنج‌نامه حضرت زهرا» اثر علامه سیدجعفر مرتضی عاملی، «عبور از تاریکی» نوشته عدنان درخشان، «زندگانی فاطمه» به قلم دکتر سیدجعفر شهیدی و یا مجموعه ۶ جلدی «دانشنامه فاطمی» آثاری هستند که اطلاعات تاریخی متقن و ارزشمندی در خصوص زندگی حضرت زهرا(س) دارند و تحلیل‌های تاریخی و دیدگاه‌های منحصر به فردی در حوزه تاریخ اسلام هستند اما این آثار جنبه داستانی و خلاقانه ندارند.

همچنین در گروه سنی کودک و نوجوان وضعیت داستان‌نویسی متفاوت است و [illegible]

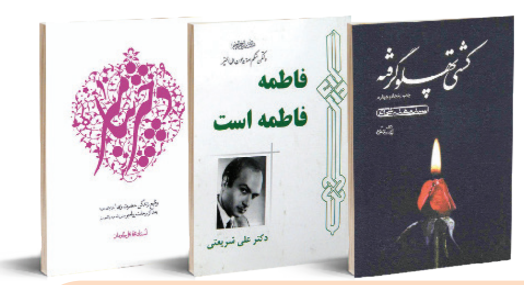

نکته‌های ناب

آیت‌الله جاودان

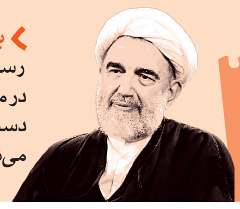

بیان عظمت فاطمه علیهاالسلام از زبان پیامبر

رسول اکرم(ص) بارها و بارها فاطمه(س) را ستود و از او تجلیل نمود. در مواقع بسیاری می‌فرمود: «پدرش به فدایش باد» و گاه خم می‌شد و دست او را می‌بوسید. به هنگام سفر از آخرین کسی که خداحافظی می‌نمود، فاطمه(س) بود و به هنگام بازگشت به اولین محلی که وارد می‌شد، خانه او بود.

عامه محدثین و مسلمانان از هر مذهب و با هر عقیده‌ای، این کلام را نقل نموده‌اند که حضرت رسول(ص) می‌فرمود: «فاطمه پاره تن من است، هر کس او را بیازارد مرا آزرده است». از طرفی دیگر، قرآن کریم پیامبر(ص) را از هر سخنی که منشأ آن هوای نفسانی باشد به‌دور دانسته و صراحتاً بیان می‌کند هر چه پیامبر می‌فرماید، سخن وحی است. پس می‌توان دریافت این همه تجلیل و ستایش از فاطمه(س)، علتی ماورای روابط عاطفی میان پدر و فرزند دارد. پیامبر اکرم(ص) نیز خود به این مطلب اشاره می‌فرمود. گاه در جواب خرده‌گیران، لب به سخن می‌گشود که خداوند مرا به این کار امر نموده و یا می‌فرمود: «من بوی بهشت را از او استشمام می‌کنم».

اما اگر از زوایای دیگر به بحث بنگریم و حدیث نبوی را در کنار آیات شریفه قرآن کریم قرار دهیم، مشاهده می‌نماییم قرآن کریم عقوبت کسانی که رسول خدا(ص) را اذیت نمایند، عذابی دردناک ذکر می‌کند و یا می‌فرماید کسانی که خدا و رسول را اذیت نمایند، خدا آنان را در دنیا از رحمت خویش دور می‌دارد و برای آنان عذابی خوارکننده آماده می‌نماید. پس به نیکی مشخص می‌شود رضا و خشنودی فاطمه(س)، رضا و خشنودی خداوند است و غضب او نیز موجب غضب خداست. به بیانی دقیق‌تر، او مظهر رضا و غضب الهی است چرا که نمی‌توان فرض نمود شخصی عملی را انجام دهد و بدان به عمل او خشنود باشد و در عین رضایت، او را مورد عقوبتی سنگین قرار دهد. نکته‌ای دیگر که از قرار دادن این حدیث در کنار آیات قرآن کریم بدست می‌آید، آن است که رضای فاطمه(س)، تنها در مسیر حق به‌دست می‌آید و غضب او فقط در انحراف از حق و عدول از اوامر الهی حاصل می‌شود و در این امر حتی ذره‌ای تمایلات نفسانی و یا انگیزه‌های احساسی مؤثر نیست. چرا که از مقام عدل الهی به‌دور است شخصی را به خاطر غضب دیگری که برخاسته از تمایل نفسانی و یا عوامل احساسی مؤثر بر اراده او است، عقوبت نماید.

دیدگاه

گفتاری از حجت‌الاسلام ابوالقاسم عالمی

برکات و فواید دنیایی و آخرتی تسبیحات حضرت فاطمه علیهاالسلام

حجت‌الاسلام والمسلمین ابوالقاسم عالمی، استاد حوزه در نشست علمی «جایگاه حضرت زهرا(س) در فقه» که به مناسبت سالروز شهادت حضرت زهرا(س) در مؤسسه فرهنگی پژوهشی فهیم برگزار شد به بیان نکاتی در همین خصوص و تسبیحات حضرت زهرا(س) پرداخت که گزیده‌ای از آن را به گزارش ایکنا می‌خوانید.

شیخ حرعاملی در جلد سوم وسائل در بحث تعقیبات نماز روایتی از امام صادق(ع) آورده که آن امام(ع) به اباهارون فرمود: ما همان‌طور که نماز را به بچه‌های خودمان یاد می‌دهیم همان‌طور تسبیحات حضرت زهرا(س) را هم به آن‌ها یاد می‌دهیم. این تسبیحات هم از سوی پیامبر(ص) به ایشان تعلیم داده شد. حضرت زهرا(س) خدمت پدر گرامیشان رسیدند و عرض کردند مشکلات من مانند بچه‌داری و کارهای خانه زیاد است و ایشان به جای اینکه خدمتکاری برای او بگیرند فرمودند من چیزی به تو یاد می‌دهم که از دنیا و مافیها بهتر است.

روایتی در مجمع‌البیان در ذیل آیه «وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ» آمده است که امام صادق(ع) فرمودند: اگر کسی شب، موقع خواب، تسبیحات حضرت زهرا(س) را بگوید و بخوابد برای او نماز شب و ثواب ویژه در دفتری مجزا نوشته می‌شود. این تسبیحات اثر وضعی هم دارد؛ امام صادق(ع) فرمودند اگر کسی به این تسبیحات مداومت داشته باشد گرفتار شقاوت و سوءعاقبت نخواهد شد.

جای دیگری که نام حضرت زهرا(س) در فقه آمده سب‌النبی است. مجازات سب‌النبی، قتل است و این حکم مورد اتفاق علمای عامه و خاصه است. در منهاج الصالحین آیت‌الله خویی، یکی در مسئله سب‌النبی و در باب دیگری آمده مجازات سب حضرت زهرا(س) همانند سب النبی، اعدام است زیرا او جان و نفس و روح پیامبر(ص) به حکم آیه مباهله است، کما اینکه امام علی(ع) جان پیامبر(ص) است. سب امیرالمؤمنین(ع) هم سب پیامبر(ص) است.

بیهقی نقل کرده در مجلس والی اهواز یک نفر گفت من می‌خواهم فضیلتی از امام علی(ع) بگویم و به او گفته شد بگو. او هم گفت: در بصره به فردی گفتند صحابه پیامبر(ص) را بشمار و او یکسری از اسامی را نام برد، به او گفتند که چرا نام علی(ع) را نیاوردی و او گفت امیرالمؤمنین(ع) صحابی نیست او جان پیامبر(ص) و خود پیامبر(ص) است، از این رو حضرت زهرا(س) هم به حکم مباهله، نفس و جان پیامبر(ص) است.

در آیه۱۰۲ توبه «وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» داستان توبه ابولبابه آمده است. ابولبابه در یکی از جنگ‌ها خیانت کرد ولی پشیمان شد، بنابراین به مسجد مدینه آمد و خودش را به ستون مسجد بست و فقط موقع نماز او را از ستون باز می‌کردند. جبرئیل آمد و این آیه را بر پیامبر(ص) نازل کرد. حضرت صدیقه(س) وقتی این آیه نازل شد به مسجد آمد و بشارت نزول این آیه را به ابولبابه داد. حضرت زهرا(س) قصد داشت طناب‌های ابولبابه را باز کند ولی او گفت بگذار پدرت بیاید و باز کند، صبر کردند تا پیامبر(ص) آمد و وقتی فاطمه(س) را آنجا دید ایشان را «مزقه» خطاب کرد یعنی او روح و جسم و جان و همه وجود من است. در همه جا روایات تعبیر «بضعه» دارد ولی در اینجا پیامبر(ص) از واژه مزقه استفاده کرد. سهیلی از این ماجرا نتیجه گرفته این دلالت دارد که سب زهرا(س) مساوی با کفر است.

حجت‌الاسلام والمسلمین ماندگاری در گفت‌وگو با قدس مطرح کرد

درس‌های انقلاب فاطمی

زهـرا دلپذیر| پـس از رحلـت رسـول خـدا(ص)، حضرت فاطمه زهـرا(س) با صلابت تمام در مقابل مخالفان ولایت ایستادند و با تمام وجود بـرای نصرت دیـن خـدا، ولی خدا و ارزش‌هـای دیـن خـدا انـقلاب کـردنـد. وقتی صحابی پیامبر(ص) راه صحیح را گم کـرده و به بیراهه رفتند، صدیقه کبـری(س) که دستشان در دست ولایت بود در مسیر درست گام نهادند و در درگیـری بـا اهـل نفاق پیـروز میـدان شدند. آخـریـن پـرده قیام آن حضرت نیز هنگام ظهور فرزندشان مهدی(عج) رقم خواهد خورد. مبنای الهی، محور ولایی و حرکت جهادی، سه ویژگی مهم انـقـلاب فاطمی اسـت کـه در طـول تـاریـخ، الگوبخش حـرکـت‌هـای انـقـلابـی بـسـیـاری بـوده اسـت. بـه مناسبت سـالـروز شـهـادت حضرت فاطمه زهـرا(س) در ایـن زمینه با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدمهدی ماندگاری، کارشناس و سخنران مذهبی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

■ **یکـی از جـنـبـه‌های مـهـم شـخـصـیت نـورانـی حضرت فاطمه زهرا(س)، انقلابی‌گری است. انقلابی بـودن بـه چـه معناست و چـرا ایـن ویـژگـی در سیره حضرت صدیقه کبری(س) تا این حد اهمیت دارد و می‌درخشد؟**

انقلابی‌گری یعنی ناصر دین خدا بودن؛ خداوند در آیه۴۷ سوره محمد می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اِن تنصروا اللّه یَنصرکم و یُثبت اقدامکم»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر خدا را یاری کنید او نیز شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد. مطابق این آیه هر کس مانند فاطمه(س) ناصر خدا شود منصور خدا هم می‌شود. حضرت زهـرا(س) تمام وجودش را برای نصرت دین خدا، ولی خدا و ارزش‌های دین خدا گذاشت و با خلوص تمام، جانش را در این راه فدا نمود. خدا نیز آن‌قدر یاری‌اش کرد و به قول ما این‌قدر این وجود را شارژ کرد که می‌تواند همه عالم را یاری کند. شهدایی که در مسیر فاطمه زهـرا(س) قدم برداشتند نیز همین‌طورند.

بنابر آیه۶۹ سوره نسا کسانی که خدا و رسولش را اطاعت کنند همدم پیامبران، صدیقین، صلحا و شهدا هستند، چون خدا را یـاری کردند. یاری خدا هم سه مصداق دارد: یـاری دین خـدا، یاری ولی‌خدا، یـاری ارزش‌هـای دیـن خـدا. هرکس این سه تا را یاری کند خدا این‌قدر او را یاری می‌کند که می‌تواند یاری‌بخش و شفیع دیگران شـود. بـرای مثال نیروگاه برق، مرکز اصلی تولید برق است ولی پست‌های تقویتی که اطـراف شهرها می‌گذارند برق را تقویت می‌کنند. ما می‌گوییم نیروی اصلی، نصرت خداسـت. کانـون نـصـرت، خـداسـت ولی انبیا، اولیا، صالحان و شهدا می‌شوند پست‌های تقویتی. این بـزرگـواران چون خدا را یـاری کردند، خداونـد بـه آن‌هـا نـصـرت می‌بخشد تـا در عالم پخش کنند. انقلاب مـا، دفـاع مقدس مـا، دفاع از حـرم مـا، جنگ ۳۳روزه لبنان، جنگ ۲۲روزه حـمـاس، جنـگ امـروز یـمـن، جنـگ اقـتـصـادی، فرهنگی، سیاسی، روانـی و جنگ‌های مختلفی که امـروز در جمهوری اسلامـی اسـت بـا نصـرت فاطمه(س) پیش می‌رود یعنی حضرت زهراست که جبهه اسلام را در برابر کفر یاری می‌کند. پس انقلاب فاطمی همیشه زنده است.

■ **همان‌طور که اشاره فرمودید انقلابی که حضرت زهرا(س) پایه‌ریزی کردند، با نصرت الهی عملی شد و همیشه زنده و ماناست. انقلاب فاطمی دارای چه شاخصه‌هایی اسـت کـه توانسته در طـول تاریخ، تأثیری چنین پایدار بر دیگر حرکت‌های انقلابی داشته باشد؟**

انقلاب حضرت فاطمه(س) که انقلاب اسلامی ایـران از آن الـگـوبـرداری شـده، دارای سـه ویژگی اصلی اسـت: نخسـت اینکه مبنای الهی دارد که همان قیام لله اسـت. قیام‌لله یعنی هر حرکتی باید برای خدا باشد؛ حتی نگاه‌همان باید برای خدا باشد. امام خمینی(ره) دستش را که در حسینیه جمـاران تکان مـی‌داد بـرای خدا بـود، بـرای نفس خـودش نبـود. اگر قیام‌لله در این مملکت حفظ شود انقلاب ما همان‌طور که پیروز شد همان‌طور هم به جلو می‌رود. دومین ویژگی انقلاب فاطمی ایـن اسـت کـه محـور ولایـی دارد یعنی حرکت و اقتدا به ولایت و پشت سر امام و ولی زمان حرکت کـردن. آن روز محوریت ولایت فاطمه زهـرا(س)، امیرالمؤمنین(ع) بود و امروز محوریت ولایت ما، ولایت فقیه است. پس باید حق ولی ادا شود. حق ولی این است که او و هر چه گفت بگوییم چشم، هر جا رفت پایمان را جای پای او بگذاریم، مطیع اوامرش باشیم و یاری‌اش کنیم تا پیروز شود. اگر ولی حفظ شود ما هم حفظ می‌شویم. هر جا در این ۴۰ سال مردم و مسئولان دقیقاً مطابق فرمان ولایت عمل کردند، پرچم پیروزی بالا رفته است. در مقابل، هر جا به حرف ولی فقیه عمل نکردند الان پشیمان‌اند. ناوگان آمریکا که به خلیج‌فارس آمـد، امـام خمیـنـی(ره) فـرمـودنـد: بزنید نـاوگـان آمریکا را. ولی برخی از مصلحت‌اندیشان گفتند اگر بزنیم جنگ جهانی می‌شود. امام همان موقع فرمود: یک روز پشیمان می‌شوید. آن عده امروز پشیمان شده‌اند که اگر آن روز ناو آمریکا را زده بودیم دستش از منطقه کوتاه شده بود. پس باید محوریت ولایت حفظ شود. در این چندین سالی که حضرت آقا برای هر سالی شعاری را مشخص کرده‌اند اگر همه مـردم و مسئولان به شعار آقا عمل می‌کردند قطعاً حل مشکلات راحت‌تر بود. سومین ویژگی انقلاب فاطمی نیز ایـن اسـت که حرکتش جـهـادی اسـت یعنی نباید در کارمان کم بـگـذاریـم. امـروز همه مشکلات مـا بـه دلیل کم‌کاری‌ها و کم گذاشتن‌هاست.

■ **حـرکـت انـقـلابـی حـضـرت زهـــرا(س) پـس از رحلت رسول گرامی اسلام(ص) و در دفاع از ولایت امیرالمؤمنین(ع) به اوج خود رسید. آن بانوی بزرگوار در شرایط حساس عصر خود و با وجود توطئه‌های مخالفان ولایت و امامت چگونه توانستند به تنهایی این انقلاب را هدایت کنند؟**

به تصریح آیه۵۴ سوره مائده، پس از وجود نازنین پیامبر(ص)، کسانی کـه بـه خـدا و پیغمبر(ص) قول داده بودند پای ولایت بایستند عقب‌نشینی کردند. ولی حضرت زهـرا(س) یک‌تنه در مقابل آن‌ها ایستادند. پس اینکه می‌گویند به تنهایی نمی‌شود از ولایت دفاع نمود اشتباه است چون خـود خـداونـد مـی‌گـویـد: یـک‌نـفـره هـم مـی‌شـود قـیـام لله کـرد. سـیـره حضـرت زهـــرا(س) هـم ایـن را اثـبـات مـی‌کـنـد. حضرت فـاطـمـه(س) عملکرد پدر بزرگوارش را در قضیه مباهله دیـده بـود. در مباهله، لشکر پیامبر(ص) پنج نفره بود: حضرت محمد(ص)، امام علی(ع)، فاطمه زهرا(س)، امام حسن(ع) و امـام حسین(ع). ولی آن‌هـا در واقـع پنج بـه‌عـلاوه خـدا بـودنـد. لشکر نـصـارای نجران چقدر بودند؟ خیلی زیـاد. ولی آن‌ها منهای خدا بودند چون قصدشان لله نبود بلکه اعلام برتری خودشان بود. در نتیجه اهل بیت(ع) در مباهله پیروز شدند.

در جنگ‌های پیغمبر(ص) علیه کفار، مثل جنگ بدر، تعداد لشکریان پیامبر(ص) کم بود ولی چون به علاوه خدا بودند پیروز شدند. انقلاب حضرت زهرا(س) به ما این درس را می‌دهد که اگر بگوییم «از من یک نفر کاری برنمی‌آید» یعنی اعتقادمان به خدا کم است. ولی اگر من و شما مثل اولیای خدا و مثل حضـرت زهـــرا(س) گفتیم «درسـت اسـت که ما یک نفریم ولـی تکلیفمان را انجام می‌دهیم، خـدا هـم تکلیفش را انجام می‌دهد» موفق می‌شویم. تکلیف ما چیست؟ قیام لله. تکلیف خـدا چیست؟ نصرت، هـدایـت، عـزت و نورانیت. اگر تکلیفمان را یک‌نفره انجام دادیم، خدا نیز تکلیفش را انجام می‌دهد. دیر و زود دارد ولـی سـوخت و سـوز نـدارد. اگر ایـن را بـاور کنیم، دست از انجام تکالیفمان برنمی‌داریم. پس ما اگر باور کردیم: همه کاره عالم هستی خداست؛ «لا موثر فی الوجود الا اللّه» و خدا عالم را بر اساس اسباب و مسببات خلق و قاعده آن‌را بیان کرده «یجـری الامـور الا باسبابها»، پـیـروز مـی‌شـویـم. حضرت زهرا(س) این را باور داشتند. پیروان مکتب فاطمه زهـرا(س) نیز این را باور دارند. بنابراین در تاریخ انبیا می‌بینیم پیامبران خودشان به تنهایی انقلاب کردند. حضرت ابراهـیـم(ع) چون با این سبب یعنی ولایـت، پیوند خـورده بـود بر نمرود پیروز شد. حتی آن‌ها یک سبب مادی گذاشتند که ابراهیم را با آتش بسوزانند ولی خدا آن سبب را بی‌اثر کرد چون خدا هم سبب‌ساز است و هم سبب سوز. خدا در سوره انبیا می‌گوید: «قُلنا یا نـارُ کُـونی بَـردا و سلاما علی ابراهیم»؛ ما خطاب کردیم ای آتـش سـرد و سالم بـاش بـرای ابراهیم. خدا در آیه۲۵۷ سوره بقره، ولایت را سبب نورانیت دانسته است: «اللّهُ ولی الذین آمنوا یُخرجهم من الظلمات الی الـنـور». پس هرکس با ولایـت خدا باشد یعنی با ولایت پیامبر(ص)، امامان و ولی‌فقیه عجین باشد و پشت سر این ولایت حرکت کند، خدا راه را برایش روشن می‌کند، حتی اگر در شب تاریک باشد.

■ **انقلاب حضرت زهرا(س) همچون جریانی پویا، زمینه‌ساز و حرکت‌بخش انقلاب‌های بسیاری بوده اسـت. انـقـلاب فاطمی چطور می‌تواند زمینه‌ساز انقلاب مهدوی و ظهور حضرت صاحب‌الزمان(عج) باشد؟**

سؤال خوبی است؛ انقلاب فاطمه زهرا(س) تاکنون زمینه‌ساز انقلاب‌های ارزشمند بسیاری در جهان اسلام بوده و ما مدل انقلاب فاطمی زیاد داریم. انقلاب عاشورا، انقلاب اسلامی، نهضت بیداری مسلمین، انـقـلاب جبهه مقاومت و... همگی ریشه در انقلاب فاطمی دارند. ان‌شاءاللّه انقلاب فاطمی بـه‌زودی منجر بـه انـقـلاب مـهـدوی نیز خواهد شد. زهرای مرضیه(س) به ما نشان دادند فرقی نمی‌کند آن عصر باشد یا ایـن عصر؛ آن حضرت به ما یاد می‌دهند اگر با ولایت بودید هم به رستگاری می‌رسید «اولئک هم المفلحون»؛ هم رشد می‌کنید «اولئک هم الراشدون»؛ هم هدایت می‌شوید «اولـئـک هـم المقتدون» و هـم پیروز می‌شوید «اولئک هم الغالبون».

وقتی صحابی پیامبر(ص) راه درست را گم می‌کنند و به بیراهه می‌روند، فاطمه زهرا(س) که دستش در دسـت ولایـت اسـت، راه را گـم نمی‌کند. آن حضرت در درگیری با نفاق پس از پیغمبر(ص)، پیروز میدان است. آخـریـن پـرده پیروزی صدیقه کبری(س) نیز موقع ظهور فرزندشان مهدی(عج) رقم می‌خورد.

پس انقلاب یک‌نفره پیروز می‌شود به شرطی که زیر چتر ولایت باشد. امام بزرگوار ما هم که فرزند خلف حضرت زهـرا(س) بـود یک‌نفره در حـوزه علمیه شروع به روشنگری کرد و کم‌کم دنیا را بیدار و زمینه ظهور حضرت مهدی(عج) را فراهم نمود. در واقع امام خمینی(ره) زیر چتر ولایت الهی آمد و مردم را هم زیر این چتر آورد. ان‌شاءاللّه انقلاب اسلامی ما که ادامه انقلاب فاطمی است و از آن الگو گرفته به ظهور صاحب‌الزمان(عج) خواهد انجامید اگر همچنان پیرو ولایت فقیه باشیم و زیر این چتر بمانیم.

آرشیده شاهنگی - مهر

گزیده

انقلاب حضرت زهرا(س) به ما این درس را می‌دهد که اگر بگوییم «از من یک نفر کاری برنمی‌آید» یعنی اعتقادمان به خدا کم است. ولی اگر من و شما مثل اولیای خدا و حضرت زهرا(س) گفتیم «درست است که ما یک نفریم ولی تکلیفمان را انجام می‌دهیم، خدا هم تکلیفش را انجام می‌دهد» موفق می‌شویم. تکلیف ما چیست؟ قیام‌لله. تکلیف خدا چیست؟ نصرت، هدایت، عزت و نورانیت. اگر تکلیفمان را یک‌نفره انجام دادیم، خدا نیز تکلیفش را انجام می‌دهد.

نیم نگاه

سازوکار پذیرش الگوهای ارزشی برای جوان امروزی چیست؟

گذر از ضدالگوها به الگوی مطلوب

زینب اصغریان| یکـی از مبـاحـث محـوری درزمینه شخصیت حضرت صدیقه طاهره(س) در دهه فاطمیه، بحث الگوگیری از ایشان است. در گفت‌وگو با زهـرا فخر روحـانـی، استاد حـوزه و کارشناس مسائل تربیتی خـانـواده به پرسش از سازوکار شکل‌گیری یک الگو و راه‌های پذیرش آن پرداخته‌ایم که پاسخ مفصل و مشروح ایشان را به این سؤال از نظر می‌گذرانید.

قرآن کریم می‌فرماید: «اولـئـک الذین هـدی اللّه فبهداهم اقتده» یعنی این‌ها کسانی هستند که خدا آن‌ها را هدایت کرده، پس در هدایت به او اقتدا کن. انسان ویژگی «کمال گرایی» دارد که این ویژگی، او را از درون به حرکت دعـوت می‌کند؛ بنابراین کسانی که مظهر کمالات اخلاقی هستند، کسانی که رفتارهایشان توسط افراد اجتماع موردتوجه قرار می‌گیرد یا الگوهای دینی هستند؛ مورد تأکید قرار می‌گیرند. انسان تلاش می‌کند این صفات را از این افراد اقتباس و این ویژگی‌ها را در شخصیت خود جذب کند، به این پدیده اصطلاحاً «همانندسازی» گفته مـی‌شـود. زنـدگـی شـامـل قـواعـدی است که جوان‌هـا مایل هستند آن‌هـا را یـاد بگیرند و به‌خصوص چون بیشترشان هنوز به‌صورت رسمی وارد جامعه نشده‌اند، کوشش می‌کنند بهترین شیوه را در تأسی به افراد و منش افراد مورد قبول خودشان به عنوان الگو به‌کار گیرند.

■ **فواید الگوگیری**

مهم‌ترین فایده الگوگیری این است که حالت رکود، احـسـاس ضعـف و احـسـاس رخـوت را در انسان از بین می‌برد و درواقـع فرصتی ایجاد می‌کند که انسان از درون خـود بیرون بیاید. معمولاً نسل جوان به فعالیت‌ها و امور زندگی از جنبه تأثیرش توجه می‌کنند و اصطلاحاً «غایت‌گرا» هستند به همین دلیل مایلند بدانند نقش و تأثیر الگوها در شخصیت آن‌ها چیست.

گـرایـش بـه الگوها سبب مـی‌شـود افـکـار منظم شود و تمرکز پیدا کند. «همگرایی فکری» زمانی به‌وجود می‌آید که انسان درصدد همانندسازی با شخصیتی برتر از خودش برآید؛ یعنی یک انگیزه درونی او را دعوت به این موضوع کند.

«الـگـوگـرایـی» مـی‌تـوانـد نـسـل جـوان را بـه تعالی روح و کمال‌گرایی دعـوت کند. آشنایی با الگوهای ارزشـی، جوان‌ها را به این تحسین وادار می‌کند که برای دستیابی به منزلت رفیع الگوها، از هدف‌های محدود و زندگی روزمره فراتر بروند و به سوی حیات معقول و معنوی سوق پیدا کنند. شـنـاخـت الـگـوهـای بـالـنـده و ارزشـمـنـد موجب به کار افتادن استعدادهای راکد و ظرفیت‌های پراکنده وجـود جـوانـان مـی‌شـود، یک نـوع حالت جذبی در جـوان رخ می‌دهد که با آن‌هـا می‌تواند نـیـروی قدرتمندی کـه درون او بـه‌صـورت بالقوه وجـود داشـتـه را بـه جـریـان انـداخـتـه و بـه‌صـورت بالفعل درآورد.

مـا معمولاً دو فـرایـنـد را بـرای انـتـخـاب الـگـو طی می‌کنیم؛ نوع نخست، استفاده از الگوهای زنده است که به‌طور واقعی و در حضور مشاهده‌کننده، رفـتـارهـای مـورد نظر را اجـرا می‌کنند، به‌عنوان نمونه والدینی که در دوره کودکی و پس از آن، سرمشق‌های افراد هستند و همچنین معلمان و مربیان در این دسته‌اند.

دسته دوم، شخصیت‌های برجسته‌ای که جنبه نـمـادیـن یـا سمبلیک دارنـد، الـگـوهـای غیرزنده هستند، یعنی جلو چشم افـراد کـارهـا را انجام نمی‌دهند؛ سمبلیک و غیرزنده‌اند. الگوگرایی و تمایل به اتخاذ الگو از میان شخصیت‌های دینی و مذهبی و چهره‌های تلویزیونی سینمایی و قهرمانان ورزشی، موجودات کارتونی، شخصیت‌ها و کتاب‌ها؛ این‌ها جزو «الگوهای نمادین» یا «سمبلیک» هستند که در نوع دوم انتخاب‌ها قرار می‌گیرند؛ بنابراین کمک می‌کنند فرزندان ما در طرز پوشش، روابـط شـخـصـی، عـلاقـه‌مـنـدی‌هـا، رغـبـت‌هـا و بیزاری‌هایشان از این‌ها تبعیت کنند و الگو بگیرند. بعضی از جامعه‌شناسان عقیده دارند «الگوپذیری انـسـان» در سه دوره از زندگی شـدت بیشتری دارد: «دوران کـودکـی»، «دوران نـوجـوانـی» و «جـوانـی». به‌نظر می‌رسد در «دوره نوجوانی»، فرد بیشتر از افراد محبوب و معروف جامعه تقلید می‌کند و آن‌ها را الگوی خود قرار می‌دهد. تبیین عناصر «فرهنگ خـودی» به زبـان موردپسند و مورد اقبال جوان‌ها زمینه را برای الگوپذیری آن‌ها فراهم می‌کند.

■ **الگوی به روز شده**

متأسفانه هنوز نتوانسته‌ایم الگوهای نمادین را در قالب دنـیـای امـروز بـه‌روزرسـانـی کنیم و تازمانی که ایـن اتفاق نیفتد، نوجوان و جـوان ما نمی‌تواند اتخاذ ایـن شخصیت‌ها به‌عنوان الگو در زندگی را به‌صورت عملی و کارکردی لمس کند. دلیل ایـن ادعـای بنده ایـن اسـت می‌بینید وقتی صداوسیما «سریال ستایش» را پخش کرد، نام «ستایش» به یکی از نـام‌هـای پرطرفدار جامعه تبدیل شد.

یعنی وقتی الگویی به‌صورت تجسمی وعملی در جامعه معرفی می‌شود؛ شما حضور ایـن الگو را درمـردم و پذیرش آن‌ها را نسبت به آن می‌بینید. وقتی سـریـال «اصـحـاب کهف» پخش شـد، نام «ایلیا» به گنجینه نام‌های پسرانه جامعه ما افزوده شد؛ وقتی سریال «مختار» پخش شد، نام «کیان» به‌عنوان نام محبوب پسران انتخاب و به نام‌های مـوجـود اضـافـه شـد؛ خـلاصـه اینکه اگـر عناصر فرهنگی، ارزش‌ها و الگوهای نمادین به‌صورت به‌روز شـده و ملموس بـرای دنیای امـروز به نسل جوان معرفی شـود، حتماً نسل جوان از آن‌ها استقبال می‌کند. پس باید گفت: علت عدم استقبال نسل جـوان ما از الگوهای ارزشـی، عـدم تناسب آن‌ها با دنیای نـوجـوان و جـوان اسـت. اگـر بتوانیم - و پژوهشگران این فاصله را کم کنند - قطعاً نوجوان و جوان از آن تبعیت می‌کنند، پس باید گفت نبود معرفت و شناخت لازم درزمینه الگوهای نمادین و سمبلیک از موانع مهم الگوپذیری تلقی می‌شود.

اطرافیان نوجوان و جـوان، به‌عنوان نزدیک‌ترین و مؤثرترین افراد او محسوب می‌شوند، بنابراین جـوان بـرای انتخاب یک الگوی مطلوب ابتدا به رفتار نزدیک‌ترین افرادی که در اطرافش هستند، دقیق می‌شود و سعی می‌کند در درونـی‌سازی و جایگزین کردن آن‌ها در شخصیتش کوشش لازم را بکند، بنابراین ما باید طوری باشیم که «کفایت» و «صلاحیت» لازم بـرای الگو بـودن را بـرای نسل جوان احراز کنیم.

تفکیک و شناسایی حـدود و منزلت «الگوها» از «ضد الگوها» یک امر ممکن و ضروری است. چه مانعی وجـود دارد که در بحبوحه الگوپذیری نسل جوان، ویژگی‌های الگوی مطلوب و فاصله آن از ضدالگو را برایشان تبیین کنیم؟ امروز بسیاری از نوجوان‌ها و جـوان‌های ما، در مجاورت فضای مـجـازی، بـا اشتباه گرفتن الگو و ضدالگو دارنـد مسیری را طی می‌کنند که نگران‌کننده اسـت و یک چالش فرهنگی محسوب می‌شود. ما باید با ایجاد پل عاطفی مطلوب، همانندسازی را ایجاد و انتخاب اسوه‌های متعالی برای زندگی را برای آن‌ها فراهم کنیم.

اعتاب مقدسه

خبر شهادت حاج قاسم چگونه در حرم حضرت زینب علیهاالسلام پخش شد؟

سیزدهم دی‌ماه سال ۹۸ خبری جهان را لرزاند اما هیچ‌کسی نمی‌خواست باور کند این بار خبر صحت دارد. سردار سلیمانی در فـرودگـاه بـغـداد تـوسـط پـهـپـادهـای آمریکایی به شهادت رسید.

ایـن بـار خبر صحت داشـت و سـردار دل‌هـا بـا جمعی از همراهانش به شهادت رسید. قرار بود این خبر از گلدسته‌های حرم حضرت زینب(س) پخش شود.

ساعت۹ صبح به‌وقت سوریه بود. به‌زبان فارسی و عربی خبر شهادت سردار سلیمانی از گلدسته‌های حرم پخش شد. برخی زائران نام حاج قاسم را بلند فریاد می‌زدند و برخی دیگر سراسیمه تصاویر سردار سلیمانی را می‌بوسیدند.

سیدمحسن طباطبایی، فعال رسـانـه‌ای سوریه که خبر شهادت حاج قاسم را در حرم حضرت زینب(س) اعلام کرده بود، با اشاره به نحوه اطلاع از شهادت حاج قاسم به خبرنگار فارس می‌گوید: صبح جمعه ۱۳ دی‌ماه سال ۹۸ بود. در حال آماده‌سازی برای برپایی دعای ندبه بعد از نماز صبح بودیم. پیش از آن خبری دست به دست می‌چرخید، اما کسی از صحت آن اطلاع نداشت؛ تا اینکه دقایقی پیش از آغاز مراسم، خبر قطعی شهادت سردار سلیمانی و همراهانش را مطلع شدیم.

او می‌افزاید: با اعلام خبر شهادت حاج قاسم در مراسم دعای ندبه، حال و هـوای مراسم به‌گونه‌ای دیگر بود. همه گریه می‌کردند و بر سر و سینه می‌کوبیدند. انگار نمی‌خواستند بـاور کنند دیگر حاج قاسم در میان ما نیست. هنوز خبر شهادت حاج قاسم همه جا پخش نشده بود. قرار شد من این خبر جانگداز را از گلدسته‌های حرم عمه سادات اعلام کنم. حدود ساعت ۹ صبح شد. بلندگو را برداشتم و خبر شهادت حاج قاسم را اعلام کردم. زائرانی که به حرم حضرت زینب(س) آمده بودند، مبهوت این خبر شدند. از یکدیگر می‌پرسیدند این خبر صحت دارد؟ از ساعت ۹ صبح تا اذان ظهر چند بار این خبر را به زبان فارسی و عربی اعلام کردم. پس از آن، صوت تلاوت قرآن کریم از گلدسته‌های حرم پخش می‌شد.

طباطبایی می‌گوید: طبق روال هر هفته، مصلای حرم را برای برپایی نماز جمعه آماده می‌کردیم. همه قسمت‌های حرم تصاویری از حاج قاسم و ابومهدی المهندس نصب و فضا آماده حضور زائـران شد. از طرفی با توجه به اینکه یک روز قبل میلاد حضرت زیـنـب(س) بـود، حـرم آذین‌بندی هم شده بود. با دستور تولیت حرم و نماینده وقت رهبری در سوریه، حرم ساماندهی و برای برگزاری سوگواری شهادت سیدالشهدای مقاومت آماده شد. از ساعت ۱۰ صبح زائران سوری، افغانستانی، ایرانی و... برای مراسم نماز جمعه وارد حرم شدند.

او با بیان اینکه مردم با شنیدن خبر شهادت حاج قاسم، تصاویر سـردار را که در قسمت‌های مختلف حرم بود، می‌بوسیدند و اشک می‌ریختند، می‌افزاید: دیدم مردم سوری از زن و مرد و پیر و جوان برای حاج قاسم چگونه بلند گریه می‌کردند. روز خیلی سختی بود و همه ناراحت و گریان بودند. یکی در کنار حرم عمه سـادات اشک می‌ریخت و دیگری نام حاج قاسم را بلند فریاد مـی‌زد. مـردم سوریه به‌خوبی رشـادت‌های حاج قاسم را درک کردند و قـدردان اقدامات سردار سلیمانی هستند.

عکس‌نوشت

انّا لانعلم منه الّا خیراً...

رواق| **در ایام سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی، کلیپی از روایت آیت‌الله جوادی آملی درخصوص درخواست حاج قاسم از ایشان برای امضای کفن خود در فضای مجازی زیاد دست به دست شد.**

پس از آن برای نخستین بار تصویری از امضای رهبر معظم انقلاب روی کفن حاج قاسم منتشر شد که نشان می‌داد شهید سلیمانی از مدت‌ها پیش، از فرصت دیدارهایش با مراجع و رهبری برای مطرح و عملی کردن چنین درخواستی برنامه داشته است.

به همین بهانه در این عکس‌نوشت تصمیم گرفتیم مجموعه تصاویری که از دیدارهای حاج قاسم سلیمانی با مراجع منتشر شده است را به ضمیمه متن روایت آیت‌الله جوادی آملی از ماجرای درخواست حاج قاسم برای امضا کردن کفنش منتشر کنیم.

آیت الله جوادی آملی این ماجرا را دو روز پس از شهادت سردار در جلسه تفسیر خود در مسجد اعظم گفته بود: حاج قاسم پارسال که به قم آمده بود دیداری با آقایان داشت. همراه عده‌ای به دیدار بنده در مؤسسه آمد و در پایان به من گفت با شما کار دارم. کفن خود را آورد و گفت شهادت بدهید. ما چه صلاحیت داریم شهادت بدهیم، کسی که عمری به قرآن و عترت خدمت و نظام، امنیت، ناموس، دین، شرف و حرف های امام و رهبری را حفظ کرده است.

ما امضا کردیم و گفتیم خدایا تو شاهدی؛ گفتیم «هو الشاهد»؛ خدایا تو شاهدی این عزیز ما کارگزار توست، الان هم با بهترین وجه، خدا را مهمان خود قرار داد، حشرش با انبیا، اولیای الهی، شهدای کربلا و با حسین بن علی بن ابیطالب(ع) باشد.

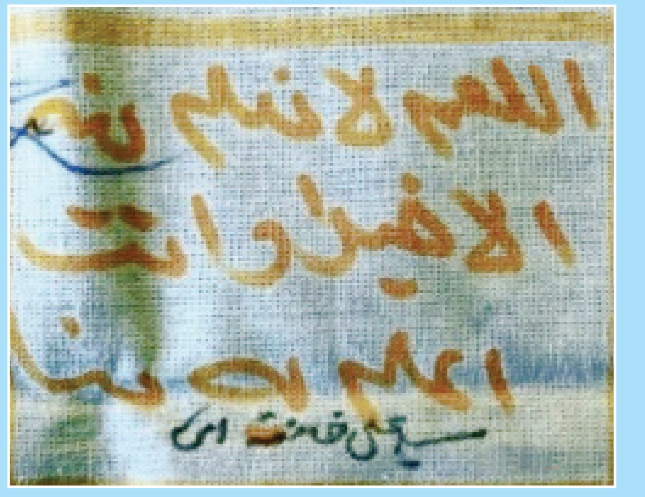
اللهم لا نعلم منه الا خیرا

ما عبدالله بشیء من التحمید افضل من تسبیح فاطمه علیهاالسلام

خداوند در حمد و ستایش، به چیزی برتر از تسبیح فاطمه (س) عبادت نشده است.

مکتب سلیمانی

در مسیر فاطمه اطهر علیهاالسلام

[illegible]

(از وصیت‌نامه شهید حاج قاسم سلیمانی)

مکتب سلیمانی

خطاب به برادران و خواهران مجاهد...

[illegible]

(از وصیت‌نامه شهید حاج قاسم سلیمانی)